

بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه‌های مورد مطالعه: بکان، گل افشان و قراب)

چکیده:

کانون‌های اسکان عشایر، یکی از راهکارهای توسعه برای جامعه عشایر داوطلب اسکان هستند. این کانون‌ها به دلیل انتظاراتی که در خصوص تأمین مسکن، محل تولید، اشتغال، دستیابی به در آمد مناسب و برخوردار از برخی از شاخص‌های رفاهی از آنها می‌شود، از اهمیت خاصی برخوردارند. در پانزده سال اخیر سرمایه‌گذاری‌های کلانی برای شکل‌گیری کانون‌ها در کشور انجام گرفته است، کانون‌ها دارای مسایل و مشکلات گوناگونی هستند. در این مقاله، اساسی‌ترین مسایل کانون‌ها بررسی شده است. به همین منظور از میان آنها، سه کانون که مربوط به بزرگترین ایلات کشور (بختیاری و قشقایی) و جزو اولین کانون‌های شکل گرفته در مهم‌ترین فضاهای ایلی کشور هستند، انتخاب شدند. روش تحقیق این پژوهش، ترکیبی از روش‌های میدانی، اسنادی و تحلیلی است. بر اساس نتایج این بررسی، مهم‌ترین مسایل کانون‌های اسکان عشایر عبارت است از: ضرورت حمایت از بنیان‌های تولید، اطمینان از داشتن در آمد مناسب، حمایت جدی برای برخوردار از خدمات آموزشی - بهداشتی - ترویجی، توجه به خدمات زیر بنایی در کانون‌ها، از جمله فضاهای کالبدی و معابر، ضرورت حمایت مالی برای تکمیل واحدهای مسکونی نیمه تمام، تکمیل زیجیره تولید و داشتن متولی خاص برای پیگیری امور.

واژه‌های کلیدی: عشایر، کانون‌های توسعه، توسعه پایدار

مقدمه:

شکل‌گیری کانون‌های اسکان عشایر در قلمرو ایلی، در راستای تفکر توسعه پایدار جامعه عشایری کشور و حاصل چند دهه تلاش و کوشش برای ساماندهی فضایی عشایر است. در برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۷۲-۱۳۶۸) اهمیت و ضرورت مطالعات همه جانبه برای توسعه پایدار جامعه عشایر و ساماندهی عشایر داوطلب برای اسکان در کانون‌های جمعیتی مورد تأکید قرار گرفت. از آن تاریخ تا کنون صدها کانون سکونت در مناطق عشایری کشور شکل گرفته و سرمایه‌گذاری کلانی برای بوجود آمدن کانون‌ها شده است. بررسی مسایل اساسی این کانون‌ها می‌تواند تصویری از وضع موجود و نقاط قوت و ضعف آنها، تحقق و یا عدم تحقق اهداف پیش‌بینی شده را ارائه دهد. راهکارهای ارائه شده در این پژوهش می‌تواند مورد استفاده برنامه‌های توسعه و دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد. در این پژوهش، ابتدا مهمترین چالش‌های جامعه عشایر بررسی شده است، سپس سه کانون اسکان که در قلمرو دو ایل بزرگ کشور، ایل بختیاری و ایل قشقایی بوده و جزو اولین کانون‌های شکل گرفته نیز هستند انتخاب و مسایل اساسی آنها بررسی می‌شود

سه کانون انتخابی عبارتند از: کانون «بکان» در شهرستان اقلید استان فارس، کانون «گل افشان» در شهرستان سمیرم استان اصفهان و کانون «قراب» در شهرستان اردل استان چهارمحال و بختیاری.

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:

«اساسی‌ترین مسایل کانون‌های اسکان عشایر کدامند؟»

تاریخچه مطالعات:

شکل‌گیری کانون‌های اسکان عشایر در راستای توسعه و تحول بنیانی جامعه عشایر یا سابقه‌ای کمتر از دو دهه دارد و بررسی مسایل اساسی این کانون‌ها، عمدتاً بعد از شکل‌گیری آنها مطرح گردیده است. دفتر مطالعات سازمان امور عشایر ایران در راستای

بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی ۱۴۱

وظیفه قانونی خود همزمان با شکل‌گیری کانون‌های اسکان عشایر، بررسی‌هایی را با همکاری مجامع دانشگاهی شروع نموده است. در فصلنامه تخصصی ذخایر انقلاب، شماره‌های ۴۰ - ۲۰ مقالات و تحلیل‌هایی در خصوص ارزیابی کانون‌های اسکان عشایر به رشته تحریر در آمد. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ به سفارش سازمان امور عشایر ایران مطالعه «ارزیابی اقتصادی طرح اسکان عشایر دشت بکان استان فارس» را که یکی از اولین کانون‌های اسکان عشایر کشور است انجام داده و حاصل مطالعات در چند جلد گزارش در اختیار سازمان امور عشایر ایران قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۰ به سفارش اداره کل امور عشایر استان اصفهان، سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان مطالعه «ارزشیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی طرح‌های اسکان عشایر اصفهان» را انجام داده و حاصل مطالعات در چند جلد گزارش تهیه شده است. در سال ۱۳۸۳ همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران توسط سازمان امور عشایر ایران انجام گرفت و کتاب مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر حاصل این همایش است. در این همایش یا دستاوردهای ده ساله اسکان عشایر کشور بررسی و ارزیابی شده است. پایان نامه دکتری نگارنده، با عنوان «ارزیابی کانون‌های شکل گرفته اسکان عشایر در ده ساله اخیر». در سال ۱۳۸۳ در دانشگاه اصفهان موضوع ارزیابی چند کانون مهم از کانون‌های کشور را بررسی نموده است. در مقاطع فوق لیسانس و دکتری در دانشگاه‌های مختلف به ترتیب می‌توان از پایان نامه‌های آقای علی اکبری، یوسفی باصری، احمد باقری و... نام برد.

روش تحقیق و جامعه آماری:

روش تحقیق این پژوهش یا ترکیبی از روش‌های اسنادی، میدانی و تحلیلی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده و جامعه آماری عبارت از سرپرستان خانوارهای ساکن در سه کانون توسعه مورد بررسی هستند.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد در

این فرمول داریم

n = حجم نمونه؛

N = تعداد کل جامعه آماری؛

T = ضریب اطمینان (اندازه متغیر در توزیع نرمال است که از جدول مربوطه در سطح احتمال استخراج شده و در اینجا معادل ۱/۹۶ است)؛

d = میزان خطا یا تفاضل نسبت واقعی بین صفت در جامعه با میزان تخمین پژوهشگر که حداکثر آن ۰/۰۵ است؛

P = درصد افرادی که صفت مورد نظر را دارند؛

q = درصد افرادی که صفت مورد نظر را ندارند؛

با توجه به این که تعداد کل جامعه آماری در این تحقیق ۵۶۰ نفر بوده یا حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۴۵ نفر مشخص گردیده است. برای روایی پرسشنامه‌ها حدود ۳۰ پرسشنامه تهیه و از اطلاعات آن استفاده گردید. سپس با روش نمونه گیری تصادفی کار تکمیل پرسشنامه‌ها انجام و مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مبانی نظری:

برای توسعه پایدار جامعه عشایری ایران، دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی توسط صاحبان اندیشه مطرح شده است. گروهی از نظریه پردازان اسکان عشایر را متناسب با مقتضیات فعلی و آتی جامعه عشایر می‌دانند، گروهی تداوم شیوه معیشت سنتی و گروهی با طرح موضوع «رمة گردانی» حالتی بینابین را مطرح می‌نمایند.

«در قالب چارچوب نظری، جمعیت و جوامع عشایری در جریان الگوپذیری و گذار از وضعیت سنتی به شرایط منجر به بهسازی الگوی زیستشان، اقدامات، تغییرات، ظرفیت

بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی ۱۴۳

سازی و تمهیدات ترکیبی در جهت تسهیل فرآیند کار و فعالیت به کار گرفته‌اند. آنها با تغییر و تجهیز، بهسازی و مقاوم سازی انواع سرپناه‌ها، به ساخت سکونتگاه‌های ثابت گرایش روزافزون پیدا کردند. (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۲: ۳۸). در همین زمینه، یکی از نظریه پردازان معتقد است «مشکل ما شیوه تولید است، نه کوچ یا اسکان و در واقع این شیوه تولید عشایری است که هماهنگی خود را با مقتضیات زمان از دست داده است. بنابراین، جماعت‌های عشایری برای تغییر شیوه تولید خویش دو راه عقلایی در پیش دارند: تولید بر پایه کشتزارهای دامی و تولید بر پایه صنعت (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۳: ۸۳).

وی سپس ایجاد دهواره‌های جدیدی را برای اسکان عشایر و شیوه تولید کشتزارهای دامی پیشنهاد می‌نماید.

بخشنده نصرت موضوع اسکان و تغییر شیوه تولید را مطرح می‌نماید:

«اسکان و تغییر شیوه تولید یک ضرورت است. به منظور بازدهی اقتصاد فضایی یا نمی‌توان با ادامه زیست کهن، امکان توسعه را در جوامع عشایر کوچنده به وجود آورد (بخشنده نصرت، ۱۳۷۸: ۸۸).

پاپلی یزدی ایجاد کانون‌های اسکان عشایر در راستای توسعه پایدار را به عنوان مرحله‌ای از فرآیندی کلی توسعه می‌داند:

«کانون‌های ایجاد شده برای امکان عشایر باید به عنوان مرحله‌ای از فرآیند کلی دیده شوند. اگر شهرک به عنوان انتهای فرآیند دیده شود، به نظر می‌رسد موفق و اقتصادی نیست. اگر ایجاد شهرک و توسعه ایجاد شده به عنوان مرحله‌ای از مدرنیته باشد یا مهم و اقتصادی است؛ زنجیره تکمیلی اشتغال باید ایجاد شود (صیدائی، ۱۳۸۶: ۳۲).

حسینی ابری با طرح مدل بومی توسعه عشایر، تعیین واحد برنامه ریزی و شرایط خاص هر تیره را مهم می‌داند:

«من معتقد هستم مدل توسعه بومی یا مشابه آنچه شیخ بهایی در مورد زاینده رود و چگونگی اثر آن در توسعه دیده است یا می‌تواند با توجه به پتانسیل‌های مناطق عشایری

پیش بینی گردد. در مدل توسعه، قالب و چارچوب و سطح برنامه ریزی بسیار مهم است. با توجه به شناختی که از جامعه عشایر دارم، واحد برنامه ریزی در حد «تیره» می تواند واحد مناسبی باشد (صیدائی، ۱۳۸۶: ۳۱).

«تحقیقات و پژوهش های سال های اخیر به توسعه پایدار در جامعه عشایر پرداخته و توان های محیطی برای اسکان عشایر و مکان یابی کانون های اسکان را مورد توجه و تأکید قرار داده است» (کمیسیون بین المللی انسان شناسی و مردم شناسی، ۲۰۰۳: ۷۰). نگارنده در کتاب «توسعه پایدار جامعه عشایر ایران» دیدگاه های نظری را به تفصیل نقد کرده و چارچوبی نظری با توجه به هشت محور اصلی را برای ساماندهی و توسعه پایدار عشایر ارائه نموده است.

مهمترین چالش های جامعه عشایری ایران:

جامعه عشایر کشور یا یکی از مراحل حساس زندگی خود را طی می نماید. گذار از شیوه معیشتی دامداری سنتی و انتخاب شیوه معیشتی که بتواند نیازهای روز او را جوابگو باشد و از خدمات مختلف نیز برخوردار گردد، مرحله ای حساس و مهم برای این جامعه است. هم در سند چشم انداز بیست ساله کشور و هم در برنامه های پنج ساله توسعه؛ روی اهدافی همچون؛ آمایش سرزمین و تعادل منطقه ای، ایجاد فرصت های برابر، ارتقای سطح شاخص ها، ارتقای سطح در آمد و توسعه پایدار سیستمی کشور تمرکز خاصی انجام گرفته است. بر اساس نگرش سیستمی، توجه به همه اجزای سیستم (جوامع شهری- روستایی- عشایری) از ضروریات است.

جامعه عشایر؛ هم اکنون با چالش های مختلفی روبه رو است که می توان مهمترین چالش های این جامعه را شامل موارد زیر دانست:

۱. نگرش ها و دیدگاه های متفاوت در مورد جامعه عشایر؛
۲. ساختار بودجه ریزی و ناکارآمدی آن در وضع فعلی؛
۳. عملیاتی نشدن مفاد و مفاهیم برنامه های توسعه در باره کانون های اسکان عشایر؛

بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی ۱۴۵

۴. محدودیت و نارسایی‌های فنی و عملیاتی و سازمانی، دستگاه متولی هدایت اسکان؛
۵. محدودیت‌های اساسی اسکان؛
۶. عدم ارائه خدمات و تسهیلات مناسب به جامعه عشایر؛
۷. فرآیند منجر به توسعه پایدار در کانون‌های اسکان تکمیل نگردیده است؛
۸. زنجیره تکمیلی تولیدات برای پشتیبانی از اشتغال و در آمد زایی به طور کامل ایجاد نشده است؛
۹. نسل جدید علاق مند به اسکان دارای محدودیت اراضی در بعضی از کانون‌ها بوده اند؛
۱۰. فنآوری‌های جدید کمتر زمینه تحقیق یافته اند؛
۱۱. همکاری‌های دستگاه‌های مختلف برای هدایت و ساماندهی اسکان ضعیف است.

وضعیت کانون‌های اسکان انتخابی:

سه کانون انتخابی بکان، گل افشان و قراب از حیت موقعیت، حدود، مساحت، سابقه سکونت و ... به شرح زیر هستند. (نقشه شماره ۱) موقعیت سه کانون را نشان می‌دهد.

۱. کانون اسکان بکان:

کانون اسکان بکان در دشت بکان و بین ۲۲ و ۵۲ تا ۱۲ و ۵۲ طول جغرافیایی و ۳۱ و ۳۰ و ۲۵ و ۳۰ عرض جغرافیایی قرار گرفته است. دشت بکان در دهستان بکان، بخش سده، در شهرستان اقلید استان فارس قرار دارد. این دشت در شمال غرب استان فارس و در فاصله ۸۰ کیلومتری اقلید (مرکز شهرستان) و ۱۳۵ کیلومتری شیراز (مرکز استان) واقع است.

دشت بکان دارای ۳۷ هزار هکتار وسعت، ۱۲ هزار هکتار اراضی مسطح و ۲۵ هزار هکتار اراضی کوهستانی است. عشایر تیره‌های ایگدر، صفی خانی، آرد کپان و قتلو از ایل قشقایی؛ تقاضای اسکان در این قلمرو را که منطقه ییلاقی آنها است داشته اند. «عملیات اجرایی طرح اسکان دشت بکان در زمینه ساخت و ساز واحدهای مسکونی در

قالب چهار شهرک به تعداد ۳۵۰ واحد مسکونی (برای ۳۵۰ خانوار)، احداث شبکه زهکشی دشت به طول ۵۶ کیلومتر، تفکیک و قطعه بندی اراضی در سطح ۵۰۰۰ هکتار، واگذاری ۴۴۰۰ هکتار زمین به عشایر، حفر ۴۳ حلقه چاه عمیق کشاورزی، حفر و تجهیز ۴ حلقه چاه آب شرب، احداث جاده‌های بین مزارع به طول ۵۶ کیلومتر با ۲۸ دهنه پل، احداث ۴۰ باب موتورخانه جهت چاه‌های کشاورزی با نصب مخازن سوخت و ... در چهار شهرک از جمله عملیات اجرایی اسکان در سال ۱۳۷۲ الی ۱۳۷۵ بوده است» (سلطانی، ۱۳۷۸: ۳-۵).

۲. کانون اسکان گل افشان:

کانون گل افشان بین ۱۸ و ۳۱ تا ۱۳، ۳۱ عرض شمالی و بین ۵ و ۵۱ تا ۴۵ و ۵۱ طول شرقی واقع شده است. این کانون در حاشیه دریاچه حنا در دهستان حنا و در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر سمیرم (مرکز شهرستان) در استان اصفهان واقع شده است. جمعیت عشایر مستقر در کانون گل افشان ۱۵۰ خانوار و از حیث ساختار ایلی وابسته به ایل قشقایی، طایفه شش بلوکی، تیره رحیمی و بنکوی مغالو هستند. سابقه شکل گیری کانون به سال ۱۳۷۳ برمی گردد. این کانون که از نوع کانون‌های هدایتی (مطالعه محل، مکان یابی، طراحی، حمایت برای ایجاد زیر ساخت‌ها) بود، اولین کانون شکل گرفته در استان اصفهان بود. به هر خانوار حدود ۴ هکتار زمین زراعی اختصاص یافت. عملیات اجرایی شبکه بندی معابر، دادن نقشه تیپ واحد برای واحدهای مسکونی و حفر و تجهیز چاه‌های آب برای خانوارها؛ از مهمترین اقدامات حمایتی محسوب می گردد.

۳- کانون اسکان قراب:

کانون اسکان قراب از حیث مختصات جغرافیایی بین ۲۷ و ۵۰ طول جغرافیایی و ۴ و ۳۲ تا ۵۷ و ۳۱ عرض شمالی قرار دارد. این کانون در دشت دیناران واقع در دهستان

بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی ۱۴۷

دیناران، بخش مرکزی شهرستان اردل، استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد. قراب در ۷۰ کیلومتری شهر اردل (مرکز شهرستان اردل) و ۱۷۵ کیلومتری شهرکرد (مرکز استان چهارمحال و بختیاری) قرار دارد. جمعیت عشایر ساکن در کانون ۶۰ خانوار است. سابقه شکل‌گیری کانون به سال ۱۳۷۷ بر می‌گردد. مجموع اراضی قابل کشت آبی و دیم کانون حدود ۴۰۰ هکتار و نوع اراضی دشتی به و هر خانوار حدود ۴ هکتار زمین اختصاص یافت. از حیث ساختار و سازمان اجتماعی ایلی، عشایر این کانون از ایل بختیاری، شاخه هفت لنگ، بزرگ طایفه دینارانی باب، طایفه سرقلی، تیره‌های مهری، قاسمی، زیلاوی، طهماسبی و غریبی هستند. (صیّدائی، ۱۳۸۶: ۱۰۲)

مسایل اساسی کانون‌ها:

شکل‌گیری کانون‌های اسکان عشایر در راستای ایجاد توسعه و تحول در جامعه عشایر بوده، حرکتی جدید محسوب می‌گردد. شناخت و ارزیابی مسایل مختلفی که این کانون‌ها با آن روبه‌رو هستند می‌تواند نقاط قوت و ضعف این فعالیت‌ها را مشخص نماید و با ارائه راه کارهای علمی و کاربردی، الگوی مناسبی برای سایر کانون‌های اسکان که در آینده شکل خواهند گرفت، باشد. برای شناخت مسایل اساسی کانون‌ها، سه کانون اصلی و مهم به عنوان نمونه انتخاب شدند و با روش مطالعه میدانی و ابزار پرسشنامه و مصاحبه، اطلاعات لازم تهیه گردید. پس از دسته‌بندی اطلاعات، مسایل اساسی کانون‌ها به دو گروه عمده تقسیم بندی شده‌اند:

۱. مسایل مربوط به سکونتگاه، واحد مسکونی، شبکه معابر، وضعیت کالبدی؛
 ۲. مسایل مربوط به ساکنان، توقعات، انتظارات، وضعیت اقتصادی- اجتماعی و ...
- برای هر یک از کانون‌های بکان، گل افشان و قراب مسایل فوق‌الذکر بررسی می‌گردد.

مسائل اساسی کانون بکان:

مسائل مربوط به سکونتگاه: ۱-۱ وضعیت مسکن:

براساس پژوهش‌های انجام گرفته وضعیت مسکن در کانون بکان به شرح جدول شماره (۱) است.

جدول شماره (۱) وضعیت مسکن در کانون اسکان عشایر در بکان

عدم اظهار نظر	نامناسب	کمی مناسب	تاحدودی مناسب	مناسب	وضعیت واحدهای مسکونی
۶/۸	۹/۱	۱۸/۲	۵۴/۵	۱۱/۴	

منبع جدول: (سلطانی، ۱۳۸۷: ۶-۱۰).

براساس یافته‌های پژوهش، ۸۵/۳ در صد از سرپرستان خانوارهای نمونه ساکن در کانون در مقایسه با شرایط زیست کوچندگی، سکونت در واحدهای مسکونی فعلی را مناسبتر از سیاه چادر می‌دانستند.

۲-۱- پراکندگی واحدهای ایجاد شده:

یکی از مشکلات اسکان در دشت بکان که خاص این کانون هم هست، پراکندگی شهرک‌های مسکونی چهار گانه ایگدر، صفی خانی، آرد کپان و قتلو در نقاط گوناگون دشت است. این موضوع امکان خدمات رسانی به سکونتگاه‌های پراکنده را مشکل می‌کند و در بسیاری از موارد، خدمات را سطحی و محدود می‌نماید و از سوی دیگر هزینه‌ها را بالا می‌برد.

۳-۱ رضایت از طرح اسکان:

میزان موافقت سرپرستان خانوارهای عشایر مشمول طرح اسکان، از اسکان اجرا شده توسط سازمان امور عشایر ایران؛ مبحث مهم دیگری بود که از خانوارها پرسیده شد. پاسخ‌های داده شده به این پرسش که «تا چه اندازه با طرح اسکان که توسط سازمان امور عشایری در این منطقه اجرایی شده است، موافقت می‌کنید؟» نشان می‌دهد که ۳۱ درصد از سرپرستان خانوارهای نمونه عشایری مشمول طرح با اجرای اسکان تا حدود زیادی موافق

بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی ۱۴۹

بوده، ۳۴/۵ درصد تا حدودی موافق، ۲۰/۸ درصد تا حد کمی موافق و ۱۳/۷ درصد با اجرای طرح اسکان موافق نبوده‌اند. گروه ۱۳/۷ درصدی که با طرح اسکان موافق نبودند ۴-۱ کمبودها و نارسایی‌های کانون از نظر خیابان‌کشی و آسفالت معابر عمومی: نوپا بودن کانون موجب گردیده است که هر خانوار بین نیازهای مختلف خود اولویت‌بندی کند و مسئله مسکن و بعد اشتغال کشاورزی را در اولویت و سایر نیازها را در اولویت‌های بعد خود قرار دهد. در بازدیدهای میدانی که طی سال‌های ۱۳۷۵ به بعد از دشت بکان انجام گرفت، شاهد روند تکاملی ایجاد امکانات و تاسیسات زیر بنایی در کانون بوده ایم. از مهمترین کمبودهای کانون در دیدگاه سرپرستان خانوارهای ساکن در کانون، خیابان‌کشی و آسفالت معابر عمومی شهرک است که ۸۳/۸ درصد به آن اشاره کرده‌اند.

۲- مسایل مربوط به ساکنان:

۱-۲. وضعیت درآمد و هزینه خانوار:

ارزش افزوده فعالیت‌های خانوار؛ به عنوان یکی از مهمترین ملاک‌های تداوم و یا عدم تداوم شیوه معیشتی مطرح است. در بررسی و ارزیابی که از وضعیت درآمد و هزینه خانوارها انجام گرفت، ۵۴ درصد سرپرستان خانوارها اظهار داشته‌اند که پس از خانه سازی در بیلاق، درآمد خانوار کاهش یافته است، ۱۴/۶ درصد اظهار داشته‌اند درآمد آنان افزایش یافته و ۱۹/۴ درصد نیز فرقی نکرده است. میزان هزینه‌های ماهانه خانوارها مشمول طرح ساماندهی، نیز از دیگر سؤال‌هایی بود که نظرسنجی در مورد آنها انجام گرفت. ۶۴/۵ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند پس از خانه سازی در بیلاق هزینه‌های آنها کاهش یافته، ۷/۸ درصد افزایش یافته، ۱۴/۷ درصد فرقی نکرده و ۱۳ درصد اظهار نشده وجود داشت (صیدایی، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

۲-۲- منابع درآمد خانوار:

بر اساس یافته‌های پژوهش، مهمترین منبع درآمد خانوارهای عشایری زراعت و دامداری است و ۸/۳۴ درصد خانوارهای مورد بررسی؛ با دریافت زمین زراعی، دامداری را با زراعت درهم آمیخته اند. منابع درآمد ۷/۱۴ درصد خانوارها عشایری زراعت، دامداری و صنایع دستی و ۱۱ درصد دامداری است.

۳-۲ مسایل مربوط به قوانین و مقررات:

قوانین و مقررات مربوط به دریافت و بازپرداخت وام با مقتضیات جامعه عشایری تناسب نداشته، نحوه قسط بندی و زمان باز پرداخت وام‌های دریافتی خانوارهای عشایری مشمول طرح ساماندهی با واقعیات زندگی عشایری مطابقت ندارد، و این مسأله است که باید مورد توجه متولیان تهیه و اجرای طرح‌های ساماندهی و اسکان عشایر قرار گیرد، زیرا ادامه این وضع به ناپایداری طرح ساماندهی و اسکان عشایر منجر خواهد شد.

۴-۲ مسایل مربوط به امکانات و تسهیلات رفاهی:

طرح اسکان عشایر در بکان دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیر بنایی و معیشتی است که به صورت هدایتی و با برنامه ریزی در راستای تحقق اهداف، عملیات اجرایی انجام می‌گیرد. بر اساس آنچه پیش بینی شده، در شهرک‌های مسکونی دشت بکان؛ تأسیسات و فضاهای فرهنگی، اداری، بهداشتی، تجاری، مذهبی، دامپزشکی، دامپروری، مخابرات، سوخت رسانی، پارک کودک و فضای سبز باید احداث می‌گشت، لیکن بخش عمده ای از فضاهای مذکور در شهرک‌های مسکونی چهارگانه ایجاد نشده است که باتوجه به شیوه جدید معیشتی و استقرار در شهرک‌ها و نوع فعالیت کشاورزی و دامپروری؛ چنین به نظر می‌رسد که تحقق نیافتن هریک از موارد پیش بینی شده؛ می‌تواند مسایل و مشکلاتی برای ساکنان کانون‌ها به وجود آورد.

۵-۲ مسایل مربوط به شیوه تولید و تولید:

به هر یک از خانوارهای ساکن در دشت بکان به میزان ۱۰ هکتار و به فرزندان آنها که ازدواج نموده‌اند به میزان ۵ هکتار زمین زراعی و در قالب گروه‌های ۹ خانواری

واگذار شده است. برای هر ۹۰ هکتار زمین زراعی که متعلق به یک گروه ۹ خانواری است یک حلقه چاه حفر و به صورت رایگان در اختیار عشایر قرار گرفت. شکل‌های تولیدی موجود در بهره برداری از اراضی دارای روابط خویشاوندی هستند که در پایداری شکل‌ها بسیار مؤثر است.

۶-۲- نحوه بهره برداری از اراضی مزروعی:

در سال ۱۳۸۳، درصد خانوارهایی که شخصاً از اراضی بهره برداری می‌کنند حدود ۹۰ درصد بود. خانوارهایی که خود از اراضی بهره برداری نمی‌کنند؛ به صورت اجاره‌ای و سهم بری، اراضی خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. به دلیل کیفیت خوب اراضی، متقاضیان اجاره‌ای و سهم بری از دیگر شهرستان‌های استان فارس برای فعالیت به دشت بکان روی می‌آورند و میزان اجاره برای هر هکتار زمین در سال ۱۳۸۳، حدود ۵۰۰/۰۰۰/۳ ریال بوده و شیوه سهم بری نیز به صورت یک سوم مالک با عرضه زمین و آب و دو سوم زارع است.

۷-۲- ترکیب کشت خانوارها:

در سال زراعی ۸۳-۱۳۸۲، گندم بر سایر محصولات غلبه داشته و ۶۰ درصد سطح زیر کشت اراضی مزروعی خانوارهای نمونه مشمول طرح، به کشت گندم اختصاص داشته است. سپس به ترتیب ۲۵ درصد سطح زیر کشت اراضی مزروعی؛ به کشت لوبیا، ۸ درصد چغندر قند و بالاخره ۷ درصد به کشت جو، تعلق داشته است.

۸-۲- سازگاری اجتماعی خانوارها در کانون:

حاصل تجزیه و تحلیل و استنتاج از پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های انجام گرفته توسط نگارنده، حاکی از وضعیت سازگاری اجتماعی خانوارهای کانون بکان با یکدیگر به صورت بسیار خوب بوده است؛ به گونه‌ای که حدود ۸۰ درصد از خانوارها گزینه زیاد و خیلی زیاد سازگاری دایم را مطرح کرده‌اند.

۹-۲- کمبودها و نارسایی‌های کانون از جهات مختلف:

سرپرستان خانوارها، مهمترین مشکلات کانون را شامل موارد زیر می‌دانستند:

- ۱- مسایل و مشکلات مربوط به نبود مراکز بهداشتی و درمانی؛
- ۲- مسایل و مشکلات مربوط به آسفالت نبودن جاده ارتباطی به کانون؛
- ۳- نبود دبیرستان و مدرسه راهنمایی در کانون؛
- ۴- عدم آسفالت و جدول بندی معابر کانون؛
- ۵- ناکافی بودن اتاق؛
- ۶- مشکلات مربوط به بازپرداخت وامها؛
- ۷- عدم خرید مناسب محصولات تولیدی (صیدائی، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

مسایل اساسی کانون گل افشان:

- ۱- مسایل مربوط به سکونتگاه:
 - ۱-۱- وضعیت مسکن:

کانون گل افشان با وسعتی حدود ۵۵ هکتار پیش بینی گردید که در فاز اول استعداد جذب ۱۵۰ خانوار را دارا است.

قبل از اجرای طرح؛ هیچ یک از خانوارها در بیلاق، ساختمان نداشته‌اند؛ ولی پس از اجرای طرح هم اکنون ۱۲۰ خانوار واحد مسکونی ایجاد نموده‌اند.

بر اساس نتایج پژوهش انجام شده، «رضایت عشایر از میزان زمین واگذار شده در کانون گل افشان ۳۳/۳ درصد زیاد، ۲۹/۶ درصد متوسط و مجموعاً ۶۲/۹ درصد متوسط و زیاد بوده است.» (جهاد کشاورزی استان اصفهان: ۶۰)

از حیث زیربنای واحد مسکونی و سایر خدمات وضعیت کانون بدین شرح است:

زیربنای مسکونی ۸۷/۹ درصد خانوارها کمتر از ۵۵ مترمربع و زیربنای مسکونی ۱۲/۱ درصد خانوارها ۵۵ متر مربع و بیشتر بوده است. ۲۶/۷ درصد خانوارها در سال ۸۱ دارای آشپزخانه و ۱۳/۷ درصد آنها دارای حمام در واحد مسکونی بوده‌اند.

بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی ۱۵۳

نظر عشایر در مورد نحوه سکونت و راحتی خانوار آنان نسبت به قبل از اجرای طرح، حاکی از این گزینه‌هاست: « $31/8$ درصد بهتر شده است، $65/2$ درصد فرقی نکرده و 3 درصد بدتر شده است» (همان: ۷۰)

۲-۱- دسترسی به راه مناسب:

از دیگر شاخص‌های توسعه که بستر توسعه نیز محسوب می‌گردد، راه‌های ارتباطی مناسب است با توجه به موقعیت قرارگیری کانون گل افشان، امکان دسترسی به جاده‌های منطقه‌ای و برون منطقه‌ای فراهم است.

«در حال حاضر؛ جاده‌های قابل دسترسی شهرک به شهرهای اطراف آسفالت شده است و هیچ گونه مشکلی وجود ندارد. در داخل شهرک نیز تمامی معابر آسفالت شده است. در نظر سنجی که از عشایر به عمل آمده، مشخص شد که میزان رضایت آنان از جاده قابل دسترسی در طیف زیاد و خیلی زیاد $78/4$ درصد بوده است» (همان: ۶۴).

۲-۲- مسایل مربوط به ساکنان:

به دلیل تمایل عشایر جهت اسکان، همکاری آنان در شکل‌گیری کانون بسیار خوب بوده است و فعالیت‌های مشارکت در واگذاری زمین، انتخاب نماینده برای پیگیری، تأمین بخشی از اعتبار و ... از طرف آنها انجام گرفته است. براساس نتایج پژوهش، وضعیت فعالیت، مالکیت اراضی کشاورزی، رضایت از اجرای طرح و دسترسی به شاخص‌های خدمات به شرح زیر است:

۲-۱- وضعیت فعالیت:

77 درصد از فعالیت‌های شاغلان در وضع فعلی، دامداری و زراعت است. تنوع فعالیت در کاهش ریسک‌پذیری مؤثر واقع گردیده است. سهم دامداری بعد از اسکان کاهش پیدا

کرد؛ اما به عنوان فعالیت دوم محسوب می‌گردد. افزایش سهم زراعت از جمله پیامدهای مثبت طرح است.

۲-۲- اراضی کشاورزی و عملکرد محصولات:

به هر خانوار عشایر در کانون گل افشان ۴/۲ هکتار زمین زراعی واگذار گردید. میزان رضایت پاسخگویان از نحوه واگذاری اراضی زراعی؛ حاکی از: ۱۱/۳ درصد رضایت خیلی کم، ۲۵/۴ درصد کم، ۳۹/۴ درصد متوسط، ۱۵/۵ درصد زیاد و ۸/۴ درصد خیلی زیاد راضی بوده است.

هم اکنون عملکرد محصولات زراعی در اراضی کانون گل افشان برای گندم، جو، یونجه، چغندر، به ترتیب ۲/۴، ۲/۳، ۴ و ۱۲ تن در هکتار است، این عملکرد به ترتیب می‌تواند تا ۳/۴، ۳، ۸ و ۳۰ تن در هکتار برسد که در بهبود عملکرد، تجربه، فعالیت‌های ترویجی و نوع محصول مؤثر است.

آب مورد نیاز کشاورزی از چاه و رودخانه تأمین می‌گردد. چاه‌های آب برقی شده‌اند و در وضع موجود؛ جوابگوی زمین‌های موجود هستند.

در نظرسنجی از ساکنان کانون، میزان رضایت از نحوه آب کشاورزی حاکی از ۳۶/۹ درصد رضایت خیلی کم، ۲۶/۳ درصد کم، ۳۲/۹ درصد متوسط، ۲/۶ درصد زیاد و ۱/۳ درصد رضایت خیلی زیاد در سال ۱۳۸۱ بوده است.

۲-۳- رضایت عشایر از اجرای طرح:

بر اساس بررسی انجام گرفته، رضایت عشایر از اجرای طرح در قالب ۱۳ پرسش مطرح گردید و نتایج بررسی حاکی از این نکته است که اجرای طرح مورد رضایت است؛ اما از حیث شاخص‌های مختلف تفاوت نسبی وجود دارد.

۲-۴- وضعیت صنایع دستی:

«در حال حاضر؛ مهمترین صنعت دستی، قالی بافی است. این فعالیت در میان ۴۹/۲ درصد خانوارها مشاهده می‌شود و این فعالیت تماماً به صورت خانگی انجام می‌شود. در مطالعات قبلی (قبل از اسکان) در کانون گل افشان ۷۵/۸ درصد خانوارها در این زمینه فعالیت داشته‌اند؛ در حالی که در حال حاضر؛ در کانون گل افشان ۴۹/۲ درصد مشغول هستند. توزیع خانوارهای تولید کننده صنایع دستی، شامل: ۴۳/۹ درصد بافت قالی و قالیچه، ۹/۱ درصد بافت گلیم، جاجیم، خورجین و سیاه چادر بوده و ۵۰/۸ درصد از خانوارها نیز تولید صنایع دستی نداشته‌اند» (جهاد کشاورزی استان اصفهان، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

۲-۵- سوخت فسیلی:

یکی از پروژه‌هایی که در کانون گل افشان به اجرا درآمد، پروژه ایجاد جایگاه سوخت فسیلی در کانون است. در بررسی‌های انجام گرفته، ارزیابی مثبتی از جایگاه سوخت فسیلی و اجرای طرح ساماندهی در دسترسی به سوخت عشایر در کانون گل افشان شده است. میزان رضایت پاسخگویان حاکی از آن است که ۵/۷ درصد خیلی زیاد، ۳۱/۱ زیاد و ۴۱ درصد در حد متوسط از وضعیت سوخت رسانی رضایت داشته‌اند.

۲-۶- خدمات بهداشتی:

خدمات بهداشتی، مجموعه‌ای از خدمات؛ از جمله خانه بهداشت، درمانگاه، بیمارستان، پزشک و دسترسی به حمام را شامل می‌گردد. در بررسی سال ۸۱، در کانون گل افشان حدود ۱۳/۷ درصد از خانوارها در واحد مسکونی خود حمام داشته‌اند. امکانات بهداشتی، مانند خانه بهداشت، درمانگاه و غیره... ایجاد نشده بود، ولی در سال ۱۳۸۳ حدود ۳۴ درصد از خانوارها دارای حمام در واحد مسکونی خود بوده‌اند. (صیدائی، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

۲-۷- سایر خدمات:

احداث مدارس ابتدایی و راهنمایی در کانون گل افشان موجب رضایت عشایر ساکن در کانون گردیده است.

کانون از حیث خدمات مربوط به برق رسانی موقعیت مناسبی داشته، همه منازل مسکونی و چاه‌های آب کشاورزی از برق استفاده می‌کنند.

مسایل اساسی کانون قراب:

۱- مسایل مربوط به سکونتگاه:

مکان انتخاب شده برای کانون، مورد رضایت عشایر است. به هر خانوار حدود ۴۲۰ متر مربع زمین برای ساخت و ساز اختصاص یافت. نقشه تپه‌ی مشخص شد که دارای سه اتاق، فضایی برای آشپزخانه، فضایی برای انبار، نگهداری دام و سرویس‌ها بود، اما به دلیل فقر اقتصادی خانواده عملاً نتوانستند کاربری‌های پیش‌بینی شده را اجرا نمایند.

شبکه معابر کانون، اعم از شبکه اصلی ورود به کانون و سایر شبکه‌ها و معابر فرعی دسترسی خانوار فاقد زیرسازی‌های اولیه و حتی جدول بندی است.

برای سیستم دفع آب‌های سطحی و فاضلاب پیش‌بینی لازم انجام نگرفت و آب‌های غیر قابل استفاده در معابر رها شده است. سازمان امور عشایر ایران متولی کانون‌ها را بعد از شکل‌گیری، بنیاد مسکن می‌داند که آنان نیز هیچ‌گونه حضوری برای پشتیبانی از خدمات در کانون ندارند.

در برخی از واحدهای مسکونی، فقط یک یا دو اتاق ساخته شده و حتی دیوارهای اطراف واحد مسکونی ساخته نشده است.

در کانون تعداد زیادی واحد نیمه ساخته وجود دارد که چند سالی است رها شده است. مصالح استفاده شده عمدتاً سنگ، آجر و تیرچه بلوک است و کیفیت ساخت و ساز نیاز به راهنمایی و رعایت اصول فنی بیشتری دارد.

در پرسشی که از ساکنان کانون به عمل آمد، مطرح شد: «آیا در طراحی و سازماندهی کاربری‌های مختلف درون واحد مسکونی خود نقشی داشته‌اید؟» پاسخ منفی بود و گفته می‌شد با آنکه واحدهای مسکونی فقط در حد سفت کاری بالا آمده بودند، اما خانوارها به ناچار از آن استفاده می‌نمایند و کف حیاط واحدهای مسکونی هنوز به صورت خاکی است.

استقرار کاربری‌ها و سازگاری آنها بعضاً ایجاد مشکل می‌نمود. در بعضی از واحدها، مکان‌هایی که برای نگهداری دام کوچک و بزرگ پیش‌بینی شده بود، روباز است که این مورد در فصل زمستان موجب مشکلات بسیار می‌گردد.

در مصاحبه با تعدادی از اعضای شورای روستا و خبرگان کانون، حداقل اتفاق مورد نیاز برای هر خانوار را سه اتاق به همراه کاربری‌های ضروری، مثل آشپزخانه، حمام، سرویس‌های بهداشتی، محل نگهداری مناسب برای دام و محل انبار علوفه می‌دانستند. این مرحله را گذار از مراحل اولیه شکل‌گیری به سمت تکاملی‌تر می‌دانستند که لزوم حمایت‌های مالی و فنی توسط دستگاه‌های مربوط را ضروری می‌سازد.

در کانون توسعه قراب، با توجه به اینکه اولین کانون هدایتی شهرستان اردل و استان چهارمحال و بختیاری است، باید از حیث ساماندهی کالبدی معابر، آسفالت خیابان‌ها و کوچه‌ها و حیاط واحد مسکونی پشتیبانی لازم انجام گیرد و ارائه خدمات مناسب بهداشتی و درمانی از دیگر ضروریات است. در مصاحبه‌های انجام گرفته با دیگر عشایری که هنوز ساماندهی اسکان برای آنان انجام نشده، آنها ضمن مثبت دانستن روند فعالیت‌های کانون، تداوم خدمات پشتیبانی را ضروری می‌دانستند. جاده ارتباطی به کانون از ورودی دهستان دیناران - که حدود ۲۰ کیلومتر می‌شود - هم اکنون به صورت جاده خاکی است که زیرسازی و آسفالت آن باید در اولویت قرار گیرد، بخصوص با توجه به شرایط وضعیت، اقلیمی دهستان دیناران که منطقه سردسیری است و در دامنه ارتفاعات زاگرس قرار دارد.

رویکرد به این واقعیت ضروری است که جاده ارتباطی مناسب به عنوان بستر توسعه محسوب می‌گردد و امکان ارتباط دهستان و کانون را با سایر مراکز جمعیتی شهرستان و استان فراهم می‌نماید.

۲- مسایل مربوط به ساکنان:

۲-۱- شیوه معیشت، تعداد دام و اراضی کشاورزی:

تا قبل از ساکن شدن خانوارها، معیشت هر خانوار بر اساس دامداری سنتی و از طریق کوچ از سردسیر به گرمسیر و برعکس انجام می‌گرفت که با ساکن شدن خانوارها، معیشت ساکنان بر اساس کشاورزی و دامداری متمرکز صورت گرفت. بر اساس نتایج پرسشنامه‌های تکمیلی از کانون، متوسط تعداد دام خانوارهای کانون حدود ۴۰ راس است و خانوارها هر یک بین ۵ رأس تا ۱۰۰ رأس دام کوچک داشتند و علاوه بر دام کوچک، متوسط دام بزرگ خانوارها نیز یک رأس است. بر اساس مشاهدات و بررسی‌های میدانی و تکمیل پرسشنامه از کانون، متوسط اراضی خانوار کانون حدود ۶ هکتار اراضی آبی و دیمی است که متوسط اراضی آبی و دیم خانوار به ترتیب ۴/۲ و ۱/۸ هکتار است.

۲-۲- مسایل مربوط به منابع آب کشاورزی و آشامیدنی:

رودخانه لشتر، منبع تأمین آب برای آبیاری اراضی کانون است، این رودخانه با جریان یافتن از ضلع شمال غربی کانون، اراضی دشت دیناران را آبیاری می‌نماید و آب توسط کانال اراضی را مشروب می‌کند. در بررسی میدانی که در تیرماه ۱۳۸۳ از کانون انجام گرفت، به دلیل اینکه کانال انتقال آب به صورت خاکی بود، میزان زیادی از آب به هدر می‌رفت و یکی از خواسته‌های خانوارها در کانون، اصلاح وضع کانال انتقال آب و بتونی نمودن آن بود.

در کانون، لوله کشی آب انجام گرفت و هر خانوار در واحد مسکونی از آب لوله کشی که از چشمه تأمین می‌شود، برای شرب استفاده می‌نماید و خانوارها از حیث کمیت آب آشامیدنی در محدودیت نیستند.

۲-۳- سایر خدمات:

یکی از خدمات مورد نیاز کانون، دسترسی به برق بود که خانوارها از این حیث دارای دسترسی مناسب هستند.

جمع بندی و نتیجه گیری

کانون‌های اسکان شکل گرفته در قلمروهای ایلی، حرکتی جدید و در عین حال مهم و پراهمیت هم برای توسعه و تحول جامعه عشایر و هم برای کشور است. بدلیل اینکه در قالب شکل گیری کانون‌های اسکان، گذار از یک شیوه معیشتی سنتی به شیوه معیشتی نوین برای جامعه عشایر انجام خواهد شد و موفقیت و یا عدم موفقیت این کانون‌ها که هزینه‌های کلانی برای اجرای آنها صرف می‌گردد، در برنامه‌های توسعه فعلی و آتی کشور اثرگذار خواهد بود. نتایج این پژوهش، حاکی از استقبال عشایر کوچنده از اسکان هدایت شده است. گذار از کوچ نشینی و روی آوری به اسکان هدایت شده در کانون‌های توسعه در قلمروهای ایلی مورد رضایت خانوارهاست. خانوارهای سه کانون بکان، گل افشان و قراب، مشارکت خوبی در ابعاد مختلف همکاری برای شکل گیری کانون‌های داشته اند. به دلیل حمایت‌های خوبی که دولت از سرمایه گذاری در کانون‌ها برای به وجود آوردن اشتغال مناسب و حفر و تجهیز چاه‌های آب برای آبیاری نمودن اراضی و بستر سازی برای فعالیت کشاورزی داشته است، اثرات مثبت اشتغال و درآمدزایی کانون‌ها، موجب رضایت خانوارهای ساکن در کانون‌ها شده است.

ایجاد بسترهای خدماتی مختلف، از جمله مراکز آموزشی، بهداشتی، ایجاد جایگاه‌های سوخت فسیلی، برق رسانی و... موجب رضایت مندی خانوارهای ساکن در کانون‌ها بود.

خانوارهای ساکن در کانون‌های اسکان از تداوم حمایت‌ها و ضرورت شکل‌گیری و پایداری بسترهای مورد نیاز دیگر زندگی، از جمله تکمیل ساخت و سازهای نیمه تمام، جدول بندی و آسفالت معابر، به وجود آمدن مراکز خدماتی سطح بالاتر از خدمات موجود، حمایت سیستم بانکی برای وام دادن به عشایر، اتخاذ تدابیر اشتغال زایی برای جوانان و نسل آتی، حمایت از صنایع دستی، شکل‌گیری صنایع کوچک و تبدیلی، خرید محصولات کشاورزی و دامی آنها، ایجاد خدمات مخابراتی، آسان سازی دسترسی کانون به سایر مراکز جمعیتی را مهمترین نیازهای خود می‌دانستند. با برنامه ریزی و هماهنگی دستگاه‌های مرتبط، این نیازها می‌تواند رفع گردد و موجبات پایداری کانون‌های اسکان و اثرگذاری آنها در راستای توسعه پایدار باشد.

ارائه راهکارها:

با استناد به اطلاعات ارائه شده و با توجه به مجموعه مسایل مربوط به کانون‌های اسکان، راهکارهایی به دو صورت کلی (برای همه کانون‌ها) و خاص هر یک از سه کانون بکان، گل افشان و قراب ارائه می‌شود.

الف) راهکارهایی که به طور عام برای همه کانون‌ها مفیدند، شامل موارد زیر هستند:

۱- مهمترین عامل برای تداوم و پایداری کانون اسکان عشایر، پیش بینی اشتغال مناسب است.

۲- از عوامل مؤثر دیگر در پایداری کانون‌های اسکان عشایر، درآمد زایی فعالیت‌ها در کانون است.

۳- توجه به وجود توانمندی‌های منابع آب و خاک برای انتخاب کانون اسکان.

۴- دسترسی به شاخص‌های توسعه، از جمله: خدمات آموزشی، بهداشتی - درمانی، برق، آب، سوخت فسیلی، خدمات ارتباطی، ورزشی - تفریحی و وسایل و تجهیزات زندگی در پایداری کانون‌ها بسیار مهم است.

۵- مکان یابی علمی و دقیق محل اسکان برای دارا بودن توانمندی‌ها و رعایت اصول

فنی اسکان

۶- مشارکت دادن عشایر در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرایی مربوط به کانون‌ها.

۷- حفظ محیط زیست و تعادل و پایداری اکوسیستم در قلمرو کانون‌های اسکان

شکل گرفته.

۸- رعایت سازگاری‌های اجتماعی بین ایلات و طوایف مستقر در یک مکان.

۹- به دلیل جدید بودن شکل‌گیری کانون‌ها، تدابیر حمایتی، ارشادی و ترویجی

توسط دولت و دستگاه‌های مربوطه ضروری است.

۱۰- فعالیت‌های نوین، از جمله ایجاد گلخانه‌ها، صنایع تبدیلی - تکمیلی، فناوری‌های

ارتباطی، پرورش ماهی و پرورش زنبور عسل می‌تواند به کمک فعالیت‌های اصلی در

کانون‌ها برای پایداری کانون مؤثر واقع گردد.

ب) - راهکارهای خاص مربوط به کانون‌های بکان، گل افشان و قراب:

۱- کانون بکان:

کانون اسکان بکان که در دشت وسیع و دارای پتانسیل آب و خاک مناسب بکان

واقع گردیده، از موقعیت طبیعی و توانمندی‌های متعددی برخوردار است، لذا راهکارهای

پیشنهادی برای این کانون به شرح زیر است:

۱-۱- پیش‌بینی طرح جامع منابع آب دشت برای استفاده بهینه در وضع فعلی و آتی

از ضروریات است. دشت بکان در حال حاضر مشکل آب ندارد، اما تهیه طرح جامع

استفاده از منابع حیاتی آب می‌تواند به پایداری فعالیت در دشت مؤثر واقع گردد.

۱-۲- خاک مناسب و حاصلخیز دشت یکی از پتانسیل‌های برجسته کانون است. اتخاذ

تدابیر برای حفظ، حراست و بهره‌برداری مناسب از اراضی دشت بکان در پایداری

فعالیت‌ها مؤثر است.

- ۳-۱- تعیین الگوی مناسب کشت با توجه به منابع آب و خاک در بهره برداری مناسب از دشت بسیار مؤثر است.
- ۴-۱- به دلیل شکل گیری چهار شهرک که هر یک وابسته به یک طایفه است، اتخاذ تدابیری که تعامل اجتماعی طوایف را هر چه بیشتر نماید، از ضروریات است.
- ۵-۱- بعضی از مراکز خدمات بزرگ که نیاز به آستانه جمعیتی دارند، به گونه ای مکان یابی شوند که مورد بهره برداری هر چهار شهرک واقع در دشت قرار گیرند.
- ۶-۱- فعالیتهای نوینی، همچون صنایع تکمیلی - تبدیلی، پرورش گیاهان زیستی، پرورش ماهی، پرورش زنبور عسل و ... می تواند در درآمدزایی و اشتغال منطقه اثرگذار باشد.
- ۷-۱- واحدهای نیمه تمام واقع در هر چهار شهرک در دشت بکان باید حمایت و تکمیل شوند.
- ۸-۱- جاده های ارتباطی کانون و معابر درون شهرکها، جدول بندی خیابانها و ... تکمیل گردد.
- ۹-۱- فضاهای مخصوص نگهداری دام که در فاصله حدود ۲ کیلومتری محل کانونهاست، تکمیل گردند.
- ۱۰-۱- برای هویت بخشی به کانونها، در میداین اصلی، از سمبلها و نمادهایی که از فرهنگ مردم سرچشمه گرفته اند، استفاده شود.
- ۱۱-۱- نهادهای مردمی (شوراها) مورد حمایت قرار گیرند.

۲- کانون گل افشان:

کانون اسکان گل افشان، اولین کانون شکل گرفته در استان اصفهان بوده، با توجه به مجموعه توانمندی های آب، خاک، گرایش عشایر، موقعیت مناسب دسترسی و ... از جایگاه پراهمیتی برخوردار است. راهکارهای پیشنهادی زیر می تواند در پایداری کانون مؤثر واقع شود:

بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی ۱۶۳

- ۱-۲- با توجه به موقعیت جغرافیایی کانون و قرارگیری آن در کنار سد حنا، استفاده از منابع آب سد حنا در پایداری اشتغال و درآمد زایی فعالیت‌های کانون بسیار تعیین کننده است. بنابراین، پیگیری مجوز استفاده از آب سد حنا در اولویت خاص است.
- ۲-۲- کانون دارای موقعیت و توانایی‌هایی است که می‌تواند فاز دوم شکل‌گیری آن برای استقرار حداقل ۱۵۰ خانوار از عشایر داوطلب، جنبه عملیاتی به خود بگیرد.
- ۳-۲- بخشی از اراضی کشاورزی کانون گل افشان به تسطیح و آماده سازی نیاز دارد که باید در اولویت برنامه‌ها قرار بگیرد.
- ۴-۲- بسیاری از فعالیت‌های نوین، از جمله: پتانسیل صنایع تکمیلی و تبدیلی، ایجاد گلخانه، باغداری (کاشت سیب)، پرورش زنبور عسل، پرورش ماهی و... می‌تواند در اولویت‌های خاص کانون قرار بگیرد.
- ۵-۲- ساختمان‌های نیمه تمام مورد حمایت قرار گیرند و تکمیل شوند.
- ۶-۲- انتقال آب به صورت کانال‌های سنتی موجب پایین آوردن راندمان آبیاری در اراضی کانون شده است، بنابراین پیش بینی انتقال آب از طریق کانال‌های بتونی و ... در بهره برداری از منابع آب بسیار تأثیر است.
- ۷-۲- صنایع دستی در بین خانوارها از جایگاه خاصی برخوردار است، بنابراین، اتخاذ تدابیری برای پشتیبانی از این فعالیت در زندگی مردم بسیار تأثیرگذار است.
- ۸-۲- کشت گونه‌های دارویی و علوفه‌ای با توجه به پتانسیل‌های این کانون پیشنهاد می‌گردد.
- ۹-۲- ایجاد دفاتر خدمات اینترنتی و مخابراتی در کانون ضروری ماست.
- ۱۰-۲- حمایت دستگاه‌های متولی دامداری، کشاورزی، مرتعداری و ... از فعالیت‌های ساکنان در این دوره گذار تعیین کننده است.

۳- کانون قراب:

کانون اسکان قراب، در دشت دیناران استان چهارمحال و بختیاری واقع شده است. این کانون از پتانسیل‌های نسبی منابع آب و خاک برخوردار است و مهمترین راهکارهای پیشنهادی برای پایداری هر چه بیشتر این کانون به شرح زیر است:

۱- ۳- منابع آب کانون قراب از چشمه و قنات‌های واقع در دشت دیناران تأمین می‌گردد. اتخاذ تدابیری برای حفاظت و بهره‌برداری مناسب از منابع آب از اولویت ویژه ای برخوردار است.

۲- ۳- اراضی مساعد کشاورزی کانون در وضع موجود، دارای توانمندی مناسب است و عملکرد خوبی دارد. تعیین الگوی کشت مناسب از اهمیت برخوردار است.

۳- ۳- واحدهای مسکونی ساخته شده در کانون به صورت نیمه تمام است، اتخاذ تدابیر حمایتی و پشتیبانی برای اتمام و تکمیل آنها ضروری است.

۴- ۳- جاده دسترسی به کانون وضعیت مناسبی ندارد، بنابراین، ضروری است نسبت به زیرسازی، آسفالت و تکمیل ابنیه فنی آن اقدام شود.

۵- ۳- شبکه معابر، جدول بندی درون کانون ناتمام بوده، اتمام آن ضروری است.

۶- ۳- انتقال آب هم اکنون از طریق کانال‌های سنتی انجام می‌گیرد، بنابراین، ضرورت بتونی نمودن کانال‌ها برای جلوگیری از پایین آمدن راندمان آب ضروری است.

۷- ۳- مراکز خدمات دهی، از جمله مراکز آموزشی، بهداشتی، سوخت فسیلی و غیره به طور کامل در کانون شکل نگرفته‌اند، بر همین اساس، به وجود آمدن این مراکز خدماتی برای پایداری کانون مهم است.

۸- ۳- فعالیت‌هایی همچون ایجاد صنایع تبدیلی - تکمیلی، پرورش ماهی، زنبورداری و ... در کانون توصیه می‌شود.

۹- ۳- محل نگهداری دام هم اکنون یکی از مشکلات این کانون بوده، ساماندهی این

موضوع از ضروریات است.

بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی ۱۶۵

۱۰-۳- دستگاه‌های متولی اسکان، از جمله سازمان امور عشایر، جهاد کشاورزی و ...

باید حمایت‌های خود را در مراحل تکمیلی موجود تداوم دهند.

منابع

- ۱- احمدی، خیام. (۱۳۷۶). مطالعه ژئومورفولوژی دشت بکان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
- ۲- اداره کل امور عشایر استان اصفهان. (۱۳۷۳). مطالعه اقتصادی - اجتماعی حنا.
- ۳- اداره کل امور عشایر استان چهارمحال و بختیاری. (۱۳۷۴). مطالعات جامع زیست بوم دینارانی باب، جلد چهارم، اوضاع اقتصادی، شهر کرد.
- ۴- اداره کل امور عشایر استان چهارمحال و بختیاری. (۱۳۷۷). مطالعات طبیعی، اقتصادی - اجتماعی و زیربنایی طایفه دینارانی ایل بختیاری.
- ۵- برنامه توسعه جامعه عشایری. (۱۳۷۱). (استراتژی‌ها، هدف‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی). گروه مطالعاتی هامون تهران: انتشارات عشایری.
- ۶- بخشنده نصرت، عباس. (۱۳۷۸). مبانی کوچ و کوچندگی در ایران، تهران: دانشگاه تربیت معلم تهران.
- ۷- خط مشی بیست ساله آینده زندگی عشایر. (۱۳۶۶). تهران: انتشارات عشایری.
- ۸- سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۷۲). ادبیات و اهداف برنامه توسعه جامع مناطق عشایری، دفتر اول، تهران.
- ۹- سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۷۱). بیانیه و پیام‌های کنفرانس بین المللی عشایر و توسعه، شهر کرد.
- ۱۰- سازمان برنامه و بودجه استان چهارمحال و بختیاری. (۱۳۷۰). طرح مطالعات جامعه عشایری استان چهارمحال و بختیاری، شهر کرد.
- ۱۱- سازمان برنامه و بودجه استان فارس. (۱۳۷۰). ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی عشایر اسکان یافته استان فارس، شیراز.
- ۱۲- سازمان برنامه و بودجه استان فارس. (۱۳۷۰). خلاصه ای از گزارش بررسی خصوصیات اجتماعی و اقتصادی عشایر اسکان یافته استان فارس.
- ۱۳- سازمان امور عشایر ایران. (۸۲ - ۱۳۷۶). فصلنامه ذخایر انقلاب، شماره‌های ۳۰ - ۱، تهران.
- ۱۴- سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۶۹). مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، تهران.
- ۱۵- سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۸۳). مجموعه مقالات همایش ساماندهی جامعه عشایر ایران، تهران.
- ۱۶- سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان. (۱۳۸۰). ارزشیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی طرح‌های اسکان عشایر، اصفهان.
- ۱۷- سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور (۱۳۶۸)، نتایج تفصیلی استان چهارمحال و بختیاری، تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۸- سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور. (۱۳۶۸). نتایج تفصیلی ایل بختیاری، تهران: مرکز آمار ایران.

- ۱۹- سلطانی، غلامرضا. (۱۳۷۸). ارزیابی اقتصادی طرح اسکان عشایر دشت بکان استان فارس، تهران: دفتر مطالعات سازمان امور عشایری ایران و موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲۰- صیدایی، سیداسکندر. (۱۳۷۱)، مکان یابی کانون‌های جمعیتی عشایر، نمونه، بزرگ طایفه دینا رانی بختیاری، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، تهران: دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- ۲۱- صیدائی، سیداسکندر. (۱۳۸۶). توسعه پایدار جامعه عشایر ایران، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- ۲۲- طرح مطالعات جامعه عشایری استان چهارمحال و بختیاری. (۱۳۷۰). سازمان برنامه و بودجه استان، جلد ۱ تا ۲۴.
- ۲۳- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۸). نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۷۷، استان اصفهان، تهران.
- ۲۴- مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی استان اصفهان. (۱۳۷۴). مطالعات نیمه تفصیلی کانون حنا، جلد پنجم، سنتز، اصفهان.
- ۲۵- مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی استان اصفهان. (۱۳۷۴). مطالعات نیمه تفصیلی کانون حنا، جلد دوم، وضعیت اجتماعی، اصفهان.
- ۲۶- مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی استان اصفهان. (۱۳۷۴). مطالعات نیمه تفصیلی کانون حنا جلد سوم، وضعیت اقتصادی، اصفهان.

27- Ben – David J, (1990) From Nomadism to Agriculture, New Haven.

28- Bertuglia, C.S and Wilson A.G. (1994) . Modeling the city.

29- Humphery, C. and Sneath. D (1999). The End of Nomadism, Cambridge.

30- Jacquelyn, B. Miller, (1999) The feasibility of agroforestry intentions for traditionally nomadic pastoral people, kluwer homepage.

31- Organization for Nomadic people in Iran, (1993) statement and messages in inauguration of International conference on Nomadism and Development.

32- Stein, J.M, (1995) Classic Redings in Urban planning.

33- Saydaie, S.E, (2003), Sustainable Development among the Bakhtiari Tribe, Nomadic peoples (ns) 7, ISSUE 2, P70-78.

34- Moussavinejad, Ebrahim, (2003), Censuses of Pastoral Nomadic Tribes of Iran in 1998, Nomadic Peoples (ns) 7, ISSUE 2, 24-36.